رویش روان شناسی، سال۱۲، شماره۹، شماره پیاپی ۹۰، آذر ۱۴۰۲
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),12(9), 2023

مدل خود خاموشی و گرایش به طلاق با نقش واسطه‌ای تعارض زناشویی در زنان متأهل

Model of self-silencing and tendency to divorce with the mediating role of marital conflict in married women

شفیعه پروایی
کارشناسی ارشد روان-شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خیام، مشهد، ایران.
پیمان مام شریفی
دانشجوی دکتری روان-شناسی، گروه روان-شناسی بالینی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
فاطمه شهامت ده سرخ (نویسنده مسئول)
استادیار روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خیام، مشهد، ایران.

Shafieh Parvaei
M.A. of General psychology, Department of psychology, Khayyam University, Mashhad, Iran.
Peyman MamSharifi
PhD student of Psychology, Department of Clinical Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
Fatemeh Shahamat Dehsorkh*
Assistant Professor of Psychology, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Khayyam University, Mashhad, Iran.
f.shahamat@khayyam.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش واسطه‌ای تعارض زناشویی در رابطه بین خود خاموشی با گرایش به طلاق در زنان متأهل انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی_همبستگی به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه خانم‌های متأهل شهر مشهد در سال ۱۴۰۰ بودند که از بین آن‌ها به صورت در دسترس ۲۴۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل مقیاس گرایش به طلاق (DTS، روزبلت و همکاران، ۱۹۸۶)، پرسشنامه تعارض زناشویی (MCQ، ثنایی، ۱۳۷۹) و مقیاس خود خاموشی (STSS، جک و دیل، ۱۹۹۲) بودند. داده‌ها با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شدند. نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری حاکی از برازش مناسب مدل بود. یافته‌ها نشان داد که خود خاموشی به صورت غیر مستقیم از طریق تعارض زناشویی توانست گرایش به طلاق را پیش‌بینی کند (p‹۰/۰۰۱). از یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که خود خاموشی و تعارض زناشویی نقش کلیدی در گرایش به طلاق زنان دارند و لزوم توجه به این عوامل در تعامل با یکدیگر در برنامه‌های ارتقای کیفیت زندگی زناشویی ضروری است.

واژه‌های کلیدی: *تعارض زناشویی، خود خاموشی، گرایش به طلاق.*

Abstract

This study aimed to investigate the mediating role of marital conflict in the relationship between self-silencing and the tendency to divorce in married women. The present research was descriptive-correlation based on structural equation modeling. The statistical population of this research was all married women of Mashhad City in 2021, and 240 of them were selected as a sample. Research tools included the divorce Tendency Scale (DTS, Rusbult, et al, 1986), the Marital Conflict Questionnaire (MCQ, Sanaei, 2000), and the Silencing the Self Scale (STSS, Jack & Dill, 1992). Structural equation modeling analysis was used to analyze the data. The results of the structural equation modeling analysis indicated that the model fit in well. The findings showed that self-silencing could indirectly predict the tendency to divorce through marital conflict ($p<0.001$). It can be concluded that self-silencing and marital conflict play a key role in women's tendency to divorce, and it is necessary to pay attention to these factors in interaction with each other in programs to improve the quality of married life.

Keywords: *marital conflict, self-silencing, tendency to divorce.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : مرداد ۱۴۰۲** | **پذیرش: مرداد ۱۴۰۲** | **ویرایش نهایی: آذر ۱۴۰۲**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

مقدمه

خانواده[۱]، کوچک‌ترین واحد اجتماعی است و از ارکان اصلی جامعه محسوب می‌شود (آمبرسون و تومیر[۲]، ۲۰۲۰). یکی از عوامل منفی و مؤثر بر سلامت نهاد خانواده، طلاق[۳] است (رالی و سوینی[۴]، ۲۰۲۰). واژه طلاق، هم طلاق عاطفی و هم طلاق رسمی را در برمی‌گیرد (گومز[۵] و همکاران، ۲۰۲۳). سازمان ثبت احوال آمار طلاق در سال ۱۳۹۹ را ۱۷۱۲۴۶ ثبت کرده است. همچنین طبق آمار رسمی در ایران، از هر هزار ازدواج حدود دویست ازدواج به طلاق منجر می‌شود و ایران چهارمین کشور جهان از نظر نسبت طلاق به ازدواج معرفی شده است (پاداش و همکاران، ۱۳۹۹). گرایش به طلاق[۶] عبارت از میزان تمایل و علاقه زوجین به جدا شدن از یکدیگر و گسستن پیوند زناشویی است (ائورسپرگ[۷] و همکاران، ۲۰۱۹). طلاق به معنی فروپاشی مهم‌ترین نهاد جامعه‌پذیری خانواده و شیوه‌ای نهادی شده و تحت نظارت سازمان‌های اجتماعی در راه پایان دادن به پیوند زناشویی است. این پدیده دارای جنبه‌های متفاوتی است؛ نخست آنکه یک پدیده روانی بوده و بر تعادل روانی نه تنها دو انسان، بلکه فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آن‌ها اثر می‌گذارد. دوم، پدیده‌ای اقتصادی است، چراکه به گسست خانواده به‌عنوان یک واحد اجتماعی می‌انجامد و یک پدیده اجتماعی است؛ به این معنا که علل و زمینه‌های اجتماعی موجود و ساختار جامعه می‌تواند سبب از هم گسستگی خانواده شود (محمود زاده مرقی و همکاران، ۱۴۰۰). پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که عوامل زیادی با گرایش به طلاق در ارتباط هستند که یکی از این عوامل تأثیرگذار بر طلاق، خود-خاموشی[۸] است (ماسولا و دوچونای[۹]، ۲۰۲۲).

نظریه‌ی خود-خاموشی بر اساس این مفهوم که آیا زنان، خود را هنگام روابط نزدیک و واقعی با دیگران مهم می‌دانند، پایه‌گذاری شده است (ریاحی و محمودآبادی، ۱۳۹۷). این نظریه بیان می‌کند که افسردگی زنان ارتباط تنگاتنگی با تجارب آن‌ها در روابط عاشقانه آن‌ها دارد و عبارت است از راهبردی که در آن زنان، برای حفظ روابط صمیمی؛ احساسات، افکار و اعمال خاص خود را خاموش می‌کنند (مجی و دیکسیت[۱۰]، ۲۰۱۹). چهار مؤلفه‌ی خود-خاموشی شامل برداشت ظاهری از خود، قربانی کردن آگاهانه، خود خاموشی و تقسیم کردن خود است (مجی و دیکسیت، ۲۰۲۰). شکست در ایجاد و حفظ روابط رضایت‌بخش می‌تواند زمینه‌ساز کاهش عزت‌نفس و افزایش افسردگی در زنان شود و در نهایت به خود-خاموشی تبدیل شود (اوری[۱۱] و همکاران، ۲۰۲۲). در واقع خود-خاموشی کوششی برای نشان دادن وجود هماهنگی و عدم تعارض در روابط زنان است (اکارسو و ساکالی[۱۲]، ۲۰۲۱). همچنین از آنجا که خود-خاموشی به دلیل حفظ روابط با دیگران است، انگیزه آن در هسته‌ی خود پنداره[۱۳] زنان نهفته است، بنابراین انتظار می‌رود که خود-خاموشی تأثیر مهمی بر کیفیت و وضعیت روابط داشته باشد (بیزا[۱۴] و همکاران، ۲۰۲۲). با گذشت زمان، خود-خاموشی منجر به از خود بیگانگی در زنان می‌شود؛ زنانی که احساسات خود را در روابط صمیمی بیان نمی‌کنند، آنچه در ارتباط با این احساسات است را از دست می‌دهند و ممکن است بر تصمیم‌گیری و قاطعیت آن‌ها در رابطه جنسی و رضایت زناشویی‌شان تأثیر بگذارد (باوکر[۱۵] و همکاران، ۲۰۲۳). خود-خاموشی زنان با قطع ارتباط از نیازهای جسمی و روانی آنان می‌تواند منجر به احساس تنهایی، عصبانیت و نفرت نسبت به شریک زندگی، احساس غفلت، محصور شدن در خود و نارضایتی از همسر در آنان شود. وقتی احساس نارضایتی و تعارض‌های زناشویی روی هم انباشته شود و یا به شیوه‌ی ناکارآمد حل شود منجر به گرایش به طلاق می‌شود (اینمان و لاندن[۱۶]، ۲۰۲۲). این زنان از لحاظ درونی احساس عصبانیت و سردرگمی می‌کنند

1 family
2 Umberson & Thomeer
3 divorce
4 Raley & Sweeney
5 Gomez
6 tendency to divorce
7 Auersperg
8 self-silencing
9 Masullo & Duchovnay
10 Maji & Dixit
11 Avery
12 Akarsu & Sakallı
13 self-concept
14 Baeza
15 Bowker
16 Inman & London

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

در حالیکه ظاهرا خشنود هستند و تلاش می‌کنند مطابق با استانداردهای فرهنگی زن خوب عمل کنند، اما زمانی که این ویژگی‌های مثبت در زندگی زناشویی دیده نمی‌شود، احتمال افزایش تعارض زناشویی وجود خواهد داشت که می‌تواند باعث چالش‌های جدی از جمله گرایش به طلاق شود (سبارا[1] و همکاران، ۲۰۱۹).

بنابراین بر اساس پیشینه‌ی پژوهشی متغیر تعارض زناشویی می‌تواند به عنوان نقش واسطه در این پژوهش کارکرد داشته باشند، زیرا این متغیر می‌تواند از خود-خاموشی (بیزا و همکاران، ۲۰۲۲؛ مجی و دیکسیت، ۲۰۱۹) تأثیر بگیرد و خود نیز بر گرایش به طلاق تأثیر بگذارد (سبارا و همکاران، ۲۰۱۹؛ نبیئی و همکاران، ۱۳۹۹). تعارض‌های زناشویی[2] است که نوعی کشمکش بر سر تصاحب پایگاه‌ها و منابع قدرت است و با حذف امتیازات دیگری و افزایش امتیازات خود بروز می‌کند (چانگ[3] و همکاران، ۲۰۲۳). تعارض زناشویی فقط اختلاف نظر نیست، بلکه مجموعه‌ای از اتفاقات است که به خوبی مدیریت نشده‌اند و عمیقاً به رابطه زناشویی آسیب وارد می‌کنند. همچنین تعارض زناشویی را می‌توان به عنوان حالت تنش یا استرس بین زوجین تعریف کرد (ماهونی[4] و همکاران، ۲۰۲۱). این تعارضات زمانی رخ می‌دهند که زوجین اختلالی در ایفای نقش‌های خود پیدا کنند و این اختلال باعث تنش در رابطه می‌شود. در این مرحله تعارض زناشویی به حدی افزایش یافته است که لجبازی، غرور، عصبانیت، رنجش و تلخی مانع از برقراری ارتباط مؤثر زناشویی می‌شود (ژو و بیوهلر[5]، ۲۰۱۹). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که با افزایش تعارض و تضاد در روابط میان زوجین، ناسازگاری‌ها افزایش یافته و در نتیجه نارضایتی‌های بیشتری ایجاد می‌گردد و این مسائل از مقدمات طلاق به حساب می‌آیند (علی[6] و همکاران، ۲۰۲۲). فرآیند طلاق در بیشتر اوقات با اختلاف‌های جزئی، تکرار اختلاف‌های جزئی و جدی شدن این اختلاف‌ها در زوجین شروع می‌شود و با جدایی یا بی‌میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، قهرهای طولانی و جدی شدن آن‌ها ادامه می‌یابد و در نهایت با خستگی زوجین از قهرها و درگیری‌ها، طلاق عاطفی و طلاق قانونی پایان می‌پذیرد (نبیئی و همکاران، ۱۳۹۹). تعارض در زندگی زناشویی زمانی اتفاق می‌افتد که عدم توافق، ناسازگاری و یا تفاوتی بین زوجین وجود داشته باشد. نحوه کنترل اختلافات زوجین نه تنها پویایی رابطه زناشویی بلکه کل سیستم خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مورال و همکاران[7]، ۲۰۲۱). همچنین می‌توان تعارض‌های زناشویی را حاصل از اختلاف نظر زوجین در زمینه اهداف شخصی، انگیزه‌ها، ارزش‌ها و یا اولویت‌های آن‌ها دانست (گائو[8] و همکاران، ۲۰۱۹).

بر مبنای آنچه گفته شد، رفتار خود-خاموشی و مؤلفه‌های آن با توجه به اینکه بر اساس تحلیل روابط صمیمی زنان ایجاد شده است و همچنین اینکه تعارض زناشویی در روابط صمیمی زن و شوهر و گرایش آن‌ها به طلاق نقش مهمی ایفا می‌کند، می‌توان ارتباط بین خود-خاموشی، تعارض زناشویی و گرایش به طلاق را سنجید. از آنجا که به نظر می‌رسد در فرهنگ ایرانی ایفای نقش همسری خوب در زندگی مشترک مشروط به فداکاری و گذشت برای همسران خود است، بنابراین خوبی و وقار زنان را در سکوت و بردباری آن‌ها می‌دانند؛ از این رو، ازجمله ویژگی‌های یک زن خوب از نظر آن‌ها صفاتی چون خاموشی، بله گویی و موافقت در اغلب موارد است. این ارزش‌های اجتماعی می‌تواند عاملی باشد که زنان جامعه در برخورد با تعارض‌های زندگی مشترک، خشم خود را پنهان کنند و این خشم فروخورده در مدت زمان طولانی به افسردگی آنان منجر شود (احمد و اقبال[9]، ۲۰۱۹). از آنجا که افزایش روزافزون آمار طلاق و اثرات زیان‌بار آن بر سلامت خانواده و جامعه که برای برخی همراه با پیامدهای کوتاه‌مدت و برای برخی دیگر پیامدهای بلندمدت اجتماعی، روانی، جسمی و اقتصادی دارد، منجر به تغییرات کل جامعه از جمله کاهش خانواده به عنوان یک نهاد، استقلال اقتصادی زنان، افزایش فردگرایی و تغییر ماهیت صمیمیت می‌شود؛ بنابراین تبیین مدل ارتباطی بین متغیرهای پژوهش حاضر می‌تواند به کشف روش‌ها و استراتژی‌های علمی و عملی جهت کاهش گرایش به طلاق در زنان متأهل کمک کند. بنابراین، این پژوهش با هدف بررسی نقش واسطه‌ای تعارض زناشویی در رابطه بین خود-خاموشی با گرایش به طلاق در زنان متأهل انجام شد.

1 Sbarra
2 marital conflict
3 Chung
4 Mahoney
5 Zhou & Buehler
6 Ali
7 Moral
8 Gao
9 Ahmed & Iqbal

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

روش

پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه خانم‌های متأهل شهر مشهد در سال ۱۴۰۰ بودند که به روش غیر تصادفی از نوع در دسترس از مناطق مختلف شهر مشهد، نمونه‌ای به تعداد ۲۴۰ نفر انتخاب و پرسشنامه در بین آن‌ها توزیع شد. برای تعیین حجم نمونه لوهین (۱۹۹۲) پیشنهاد می‌کند که برای بررسی مدل ساختاری که در آن ۲-۴ عامل شرکت دارند، پژوهشگر باید روی گردآوری دست کم ۱۰۰ تا ۲۰۰ مورد برنامه‌ریزی کند. کاربرد نمونه‌های کوچک‌تر می‌تواند موجب عدم حصول همگرایی و به دست آوردن نتایج نامناسب و یا دقت پایین برآورد پارامترها و به‌ویژه خطاهای استاندارد شود (هومن، ۱۳۸۴)؛ ملاک ورود به پژوهش عبارت بود از رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، داشتن سواد (حداقل مدرک سیکل)، حداقل پنج سال از ازدواج آن‌ها سپری شده باشد، مراجعه نکردن به روان‌شناس و روان‌پزشک در یک سال گذشته و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش، مراجعه به روان‌شناس و روان‌پزشک در سال گذشته و داشتن ازدواج سفید بود. در پرسشنامه‌ها برای رعایت اصول اخلاقی این عنوان قید شده بود که اطلاعات هر پرسشنامه کاملاً به صورت محرمانه بود. همچنین در صورت تمایل از نتایج پژوهش، پس از اتمام پژوهش نتایج در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. در نهایت، داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مدل‌یابی معادلات ساختاری و با نرم‌افزارهای SPSS-۲۴ و AMOS-۲۴ تحلیل شدند.

ابزار سنجش

مقیاس گرایش به طلاق[1] (DTS): مقیاس گرایش به طلاق اولین بار توسط روزبلت[2] و همکاران (۱۹۸۶) به صورت ۲۸ آیتم طراحی شد که برای ارزیابی زوجین مستعد و متمایل به طلاق به کار می‌رود. از فرم ۱۴ آیتمی این ابزار استفاده شده است که هر آیتم به وسیله یک مقیاس ۷ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود و نمره بالا حاکی از میزان بالای گرایش به طلاق است. این ابزار دارای چهار خرده مقیاس: بعد خارج شدن، بعد مسامحه، ابراز احساسات و وفاداری است. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده توسط طراحان این پرسشنامه برای بعد خارج شدن (۰/۹۱)، برای بعد مسامحه (۰/۸۶)، ابراز احساسات (۰/۷۶) و وفاداری (۰/۶۳) است؛ همچنین روایی همگرا و تمیزی پرسشنامه از طریق بررسی همبستگی بین نمرات حاصل از این پرسشنامه با درجه‌بندی دو مقوله‌ای و چند مقوله‌ای با فاصله زمانی بررسی شده است. بر اساس شواهد ارائه شده بین نمرات حاصل از پرسشنامه با درجه‌بندی با فاصله زمانی در حوزه گرایش به طلاق بین ۰/۱۸ تا ۰/۵۲ در نوسان گزارش شده است. در ایران پرسشنامه توسط داوودی و همکاران (۱۳۹۱) مورد ارزیابی قرار گرفته است و روایی پرسشنامه از طریق بررسی محتوایی توسط پنج متخصص روان‌شناسی و مشاوره بررسی و تأیید گردید. همچنین ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده برای کل پرسشنامه ۰/۸۸ بوده است. روایی و پایایی پرسشنامه ۱۴ سؤالی میل به طلاق توسط قادرپور (۱۳۹۳) که در برگیرنده دو بعد تمایل به خارج شدن و میل به مسامحه است، بررسی شد که پایایی پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۱) گزارش شده است و روایی پرسشنامه به صورت بررسی محتوایی توسط پنج متخصص روانشناسی و مشاوره بررسی شد. پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد.

پرسشنامه تعارض زناشویی[3] (MCQ): این پرسشنامه حاوی ۴۲ سؤال است و با هدف اندازه‌گیری تعارضات زناشویی توسط ثنایی (۱۳۷۹) تدوین شد. پاسخ‌های آزمودنی در مقیاس ۵ درجه‌ای طیف لیکرت (از همیشه=۵ تا هرگز=۱) تنظیم شده است که هفت بعد یا زمینه تعارضات زناشویی را اندازه‌گیری می‌کند. این ابعاد عبارت‌اند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر. حداقل نمره پرسشنامه ۴۲ و حداکثر نمره آن ۲۱۰ بود. برای تعیین روایی محتوا و صوری پرسشنامه، این مقیاس روی گروهی ۱۱۱ نفری متشکل از ۵۳ مرد و ۵۸ زن که برای رفع تعارض زناشویی خود به مراجع قضایی و مراکز مشاوره مراجعه کردند و نیز بر یک گروه گواه ۱۰۸ نفری از زوج‌های عادی متشکل از ۵۳ مرد و ۵۵ زن اجرا شد. مقایسه میانگین دو گروه سازگار و ناسازگار در مردان و زنان و در ابعاد مختلف تعارض زناشویی تفاوت معناداری را نشان داد که می‌تواند دال بر قدرت تمیز آزمون در تشخیص زوج‌های متعارض و نامتعارض باشد. پایایی پرسشنامه از طریق روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۵۳ و برای خرده مقیاس‌های کاهش

1 Divorce Tendency Scale
2 Rusbult
3 Marital conflict questionnaire

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

همکاری ۰/۳۰، کاهش رابطه جنسی ۰/۵۰، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۳، افزایش جلب حمایت فرزند ۰/۶۰، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۶۴، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۶۴ و جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۵۱ گزارش شده است (ثنایی، ۱۳۷۹). همچنین ضریب پایایی برای کل پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۸ بدست آمد.

مقیاس خود خاموشی[1] (STSS): مقیاس خود خاموشی توسط جک و دیل[2] (۱۹۹۲) تدوین شده است که شامل ۳۱ گویه پنج گزینه‌ای (کاملاً درست =۵ تا کاملاً نادرست =۱) که شامل چهار خرده مقیاس درک ظاهری از خود، قربانی کردن آگاهانه خود، خود خاموشی و تقسیم کردن خود است. حداقل نمره خود خاموشی ۳۱ و حداکثر نمره ۱۵۵ است. نمره‌ی بیشتر معادل میزان خود خاموشی بیشتر و نمره‌ی کمتر معادل میزان خود خاموشی کم‌تر است. جک و دیل (۱۹۹۲) ضریب پایایی آلفای کرونباخ این پرسشنامه را در زنان دانشجو ۰/۸۶، در زنان باردار ۰/۸۹ و در زنان پناهنده ۰/۹۴ و ضریب همبستگی معناداری (۰/۸۱) بین این پرسشنامه با پرسشنامه افسردگی بک ۲۱ ماده‌ای به دست آورند (جک و دیل، ۱۹۹۲). رجبی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود ضریب پایایی آلفای کرونباخ این پرسشنامه در کل نمونه ۰/۷۹ و ضریب روایی واگرا آن با مقیاس پرسشنامه‌ی ۱۲ ماده‌ای مهارت‌های هیجانی باگبی و همکاران (۱۹۹۴) بر روی ۵۰ نفر ۰/۱۹ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب پایایی آلفای کرونباخ مقیاس خود خاموشی ۰/۸۳ بدست آمد.

یافته ها

میانگین سنی این شرکت‌کنندگان ۳۵/۷۳ با انحراف معیار ۹/۸۱ سال بود. همچنین میانگین مدت زمان ازدواج ۱۴/۹۴ با انحراف معیار ۱۰/۸۸ بود. همچنین ۳۵/۸ درصد شرکت‌کنندگان دارای مدرک زیر دیپلم و دیپلم، ۴۴/۲ درصد لیسانس و ۲۰ درصد فوق لیسانس و دکتری بودند. در جدول ۱ ضرایب همبستگی پیرسون و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش ذکر شده است.

جدول ۱. ضرایب همبستگی پیرسون و شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
Z1	-													
Z2	۰/۵۴**	-												
Z3	۰/۴۱**	۰/۴۹**	-											
Z4	۰/۴۸**	۰/۴۳**	۰/۴۷**	-										
خود خاموشی	۰/۷۶**	۰/۸۳**	۰/۷۴**	۰/۷۶**	-									
X1	۰/۰۳	۰/۱۵*	۰/۰۱	۰/۱۹*	۰/۱۳*	-								
X2	۰/۱۱	۰/۱۴*	۰/۰۲	۰/۲۸**	۰/۱۸*	۰/۴۸**	-							
X3	۰/۰۸	۰/۱۳*	-۰/۰۳	۰/۲۶**	۰/۱۴*	۰/۵۱**	۰/۴۸**	-						
X4	۰/۰۹	۰/۲۸**	۰/۱۱	۰/۲۵**	۰/۲۵**	۰/۴۳**	۰/۴۲**	۰/۴۸**	-					
X5	۰/۰۴	۰/۱۱	-۰/۰۱	۰/۱۹**	۰/۱۱	۰/۵۳**	۰/۵۱**	۰/۶۴**	۰/۴۶**	-				
X6	۰/۰۳	۰/۰۱	-۰/۱۲	۰/۲۰**	۰/۰۴	۰/۵۲**	۰/۵۴**	۰/۶۸**	۰/۴۶**	۰/۶۵**	-			
X7	۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۱۲	۰/۰۷	۰/۴۲**	۰/۳۴**	۰/۳۳**	۰/۲۶**	۰/۴۲**	۰/۳۴**	-		
نعارض زناشویی	۰/۰۸	۰/۱۷**	-۰/۰۱	۰/۲۹**	۰/۱۸**	۰/۷۲**	۰/۷۲**	۰/۸۱**	۰/۶۸**	۰/۸۱**	۰/۸۱**	۰/۶۱**	-	
گرایش به طلاق	۰/۱۵*	۰/۱۵*	-۰/۰۶	۰/۲۲**	۰/۱۶*	۰/۵۲**	۰/۵۵**	۰/۶۳**	۰/۳۵**	۰/۶۲**	۰/۶۱**	۰/۴۰**	۰/۷۱**	-
میانگین	۱۸/۹۲	۲۶/۸۸	۲۹/۶۴	۲۰/۲۴	۹۵/۷۰	۸/۲۰	۱۰/۳۸	۱۹/۰۵	۹/۸۶	۹/۷۱	۹/۷۲	۱۴/۰۸	۸۱/۰۳	۱۷/۶۵
انحراف معیار	۳/۸۴	۵/۶۷	۴/۰۳	۴/۴۶	۱۴/۰۶	۲/۴۷	۳/۴۹	۴/۷۹	۳/۷۳	۳/۶۲	۳/۴۸	۴/۰۷	۱۹/۰۴	۸/۲۴
کجی	۰/۳۶	-۰/۰۵	۰/۰۱	-۰/۰۷	۰/۲۱	۱/۰۳	۰/۴۱	۰/۵۲	۰/۵۱	۰/۹۴	۱/۰۲	۰/۶۲	۰/۶۰	۰/۸۸
کشیدگی	-۰/۰۵	-۰/۰۴	-۰/۳۱	-۰/۰۲	-۰/۲۱	۱/۱۲	-۰/۳۹	-۰/۲۵	-۰/۴۵	۰/۰۴	۰/۴۵	۰/۷۶	-۰/۰۹	۰/۰۲

* P‹۰/۰۵ **P‹۰/۰۱

1 Silencing the Self Scale
2 Jack & Dill

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

(درک ظاهری از خود (Z1)، قربانی کردن آگاهانه خود (Z2)، خود خاموشی (Z3)، تقسیم کردن خود (Z4)، کاهش همکاری (X1)، کاهش رابطه جنسی (X2)، افزایش واکنش‌های هیجانی (X3)، افزایش جلب حمایت فرزند (X4)، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود (X5)، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر (X6) و دوستان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر (X7).

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بین گرایش به طلاق با خود خاموشی (p<۰/۰۵، r=۰/۱۶) و تعارض زناشویی (p<۰/۰۱، r= ۰/۷۱) رابطه مثبت معنادار وجود داشت.همچنین میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش همراه با کجی و چولگی بررسی شده است. قبل از انجام تحلیل مسیر، نرمال بودن متغیر ملاک (گرایش به طلاق)، استقلال خطاها و هم خطی متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنف با (آماره ۰/۳۴ و p>۰/۰۵) نشان از نرمال بودن متغیر گرایش به طلاق است. طبق آماره دوربین واتسون که محدوده قابل قبول آن ۱/۵ تا ۲/۵ است (مام شریفی و همکاران، ۱۴۰۱)، در تحقیق حاضر میزان آن برای متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی گرایش به طلاق (۱/۷۲)، حاکی از استقلال خطاها است. یکی از شروط دیگر، عدم هم خطی متغیرهای پیش‌بین است و معیار سنجش این شرط، عامل تورم واریانس است. چنانچه این عامل عددی کمتر از ۱۰ داشته باشد عدم هم خطی متغیرها تأیید می‌شود. در پژوهش حاضر، عامل تورم واریانس در تمامی متغیرها کوچک‌تر از ۱۰ بود و عدم هم خطی تأیید شد (حبیب‌پورگتابی، کرم و صفری شالی، ۱۳۹۵). به منظور آزمون مدل مورد نظر یعنی بررسی نقش واسطه‌گری تعارض زناشویی از روش تحلیل مسیر استفاده شد. پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در جدول ۳ ارائه شده است.

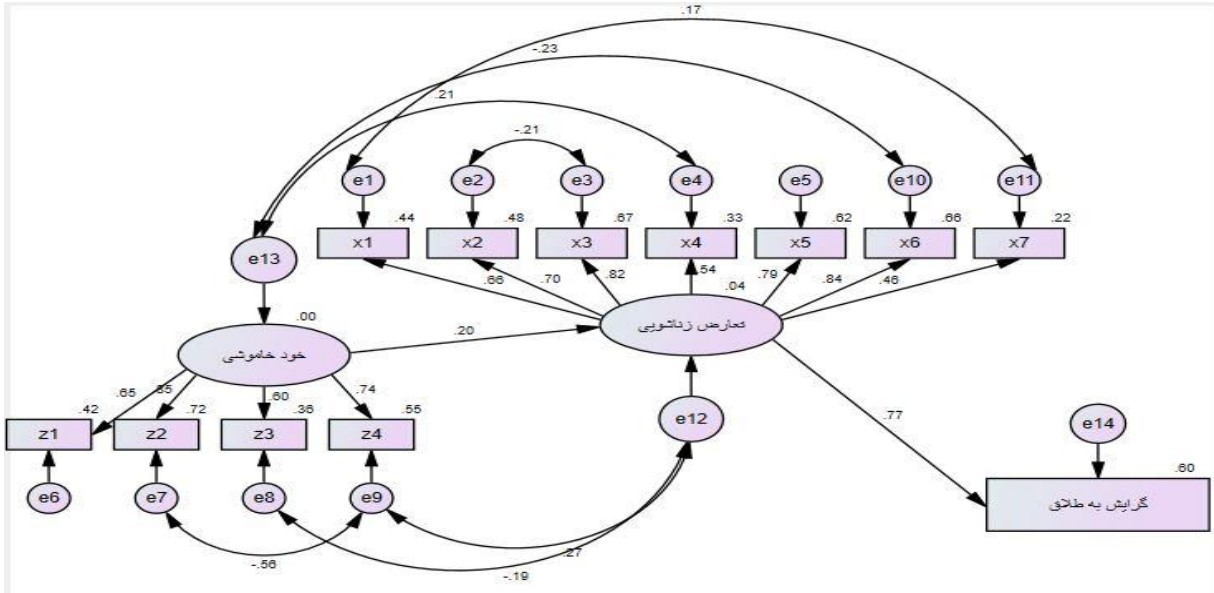

شکل ۱. مدل اصلاح شده پیش‌بینی گرایش به طلاق در زنان متأهل بر اساس خود خاموشی با نقش واسطه‌ای تعارض زناشویی

در شکل ۱ مدل اصلاح شده‌ی پژوهش حاضر پس از حذف مسیرهای غیر معنادار رسم شده است. بدین معنا که مسیرهایی که معنادار نبودند (مسیر خود خاموشی به گرایش به طلاق) اصلاح و حذف شدند (p>۰/۰۰۱). این مسیرها در مدل اولیه معنادار نبودند و بعد از اصلاح مدل و برای برازش مناسب مدل حذف شدند و همچنین مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرهای پژوهش با گرایش به طلاق در جدول ۳ و ۴ ذکر شده است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

جدول ۳. ضرایب مسیر مستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضرایب استاندارد	انحراف استاندارد	آماره (t)	سطح معناداری
خود خاموشی	تعارض زناشویی	۰/۱۲۹	۰/۰۵۳	۲/۴۴۷	۰/۰۰۱
تعارض زناشویی	X1	۱/۰۰۰			
تعارض زناشویی	X2	۱/۴۸۵	۰/۱۵۸	۹/۴۱۴	۰/۰۰۱
تعارض زناشویی	X3	۲/۳۹۲	۰/۲۲۳	۱۰/۷۳۰	۰/۰۰۱
تعارض زناشویی	X4	۱/۲۲۷	۰/۱۶۰	۷/۶۶۴	۰/۰۰۱
تعارض زناشویی	X5	۱/۷۴۳	۰/۱۶۵	۱۰/۵۹۲	۰/۰۰۱
تعارض زناشویی	X6	۱/۷۸۱	۰/۱۶۴	۱۰/۸۵۳	۰/۰۰۱
تعارض زناشویی	X7	۱/۱۵۵	۰/۱۶۱	۷/۱۷۶	۰/۰۰۱
خود خاموشی	Z1	۱/۰۰۰			
خود خاموشی	Z2	۱/۹۳۵	۰/۲۴۸	۷/۸۱۴	۰/۰۰۱
خود خاموشی	Z3	۰/۹۷۸	۰/۱۱۸	۸/۲۷۱	۰/۰۰۱
خود خاموشی	Z4	۱/۳۳۶	۰/۱۸۲	۷/۳۳۱	۰/۰۰۱
تعارض زناشویی	گرایش به طلاق	۳/۸۹۸	۰/۳۷۳	۱۰/۴۳۶	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود تمام متغیرهایی که مسیرهای مستقیم آن‌ها به متغیر ملاک دارای مقدار T بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از ۱/۹۶± است تأثیر معنی‌داری (p‹۰/۰۰۱) بر متغیر ملاک دارند و مسیرهای غیر معنادار از مدل حذف شدند.

جدول ۴. ضرایب مسیر غیر مستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآورد شده با بوت استراپ

مسیر	Bootstrap	سطح معناداری
خود خاموشی ← تعارض زناشویی ← گرایش به طلاق	۰/۵۰۴	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود برای بررسی نقش متغیر واسطه از روش بوت استراپ استفاده گردید. نتایج نشان داد که خود خاموشی از طریق تعارض زناشویی قادر به پیش‌بینی گرایش به طلاق در زنان متأهل است.

در جدول ۳ شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده ذکر شده است.

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل

نام شاخص	شاخص‌های برازش	
	مقدار	حد مجاز
$\frac{\chi 2}{f}$	۱/۱۰	کمتر از ۵
RMSEA[1] (ریشه میانگین مربعات خطای برآورد)	۰/۰۲	کمتر ۰/۰۸
GFI[2] (شاخص نیکویی برازش)	۰/۹۹	بالاتر از ۰/۹
AGFI[3] (شاخص نیکویی برازش اصلاح شده)	۰/۹۹	بالاتر از ۰/۹
CFI[4] (شاخص برازش تطبیقی)	۰/۹۹	بالاتر از ۰/۹
NFI[5] (شاخص برازش نرم شده)	۰/۹۹	بالاتر از ۰/۹

1 Root Mean Square Error Approximation
2 Goodness of Fit Index
3 Adjusted Goodness of Fit Index
4 Comparative Fit Index
5 Normed Fit Index

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

شاخص‌های برازش در جدول ۵ نشان‌دهنده‌ی برازش عالی داده‌ها با مدل اصلاح شده است. با توجه به شکل ۱ و جدول ۴ جهت‌گیری خود خاموشی به صورت غیر مستقیم از طریق تعارض زناشویی توانست گرایش به طلاق را پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی نقش واسطه‌ای تعارض زناشویی در رابطه بین خود خاموشی با گرایش به طلاق در زنان متأهل انجام شد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که خود خاموشی به صورت غیر مستقیم از طریق تعارض زناشویی توانست گرایش به طلاق را پیش‌بینی کند که این نتایج با یافته‌های بیزا و همکاران، (۲۰۲۲)؛ مجی و دیکسیت، (۲۰۱۹)؛ سبارا و همکاران، (۲۰۱۹) و نبیئی و همکاران، (۱۳۹۹) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان اذعان کرد عدم توافق در هر رابطه زناشویی طبیعی است، وجود تعارض لزوماً آسیب‌زا نیست؛ به شرط آنکه زوجین به شیوه مثبتی تعارضات را مدیریت کنند و توانایی حل آن‌ها را داشته باشند. وقتی در بین زوجین تعارضی به وجود می‌آید شریک خود خاموش به خواسته‌های دیگری تن می‌دهد و او در این رابطه احساس ناراحتی و سرخوردگی بیشتری را تجربه می‌کند. در این بین زوجی هم که ساکت نیست دچار سرخوردگی می‌شود زیرا تلاش برای برقراری رابطه با کسی که نمی‌خواهد افکار و احساس‌های خود را در میان بگذارد، یک تلاش بی‌نتیجه و آزاردهنده برای اوست. در واقع خود خاموشی کوششی برای نشان دادن وجود هماهنگی و عدم تعارض در ارتباط زوجین است، در حالی که این مفهوم در اصل مسیری برای نشان دادن عدم رضایت از زندگی زناشویی و وجود تعارض زناشویی است. مطالعات نشان داده است که سبک تعاملی شریکی که از خود خاموشی استفاده می‌کند باعث می‌شود تا شریکی هم که از این روش استفاده نمی‌کند، احساس ملال، خصومت و طرد کند و حمایت کمتری دریافت کند (اوری و همکاران، ۲۰۲۲). جایی که شرکای خود خاموش به دیگری با سرخوردگی و ناراحتی پاسخ می‌دهند ممکن است این سرخوردگی به صورت منفی (کنایه و طعنه) در رابطه ظاهر شود. بسیاری از پژوهش‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که خود خاموشی با افسردگی رابطه مثبت و معناداری دارد (مجی و دیکسیت، ۲۰۱۹). از آنجا که افسردگی ارتباط مستقیمی با تعارضات زناشویی دارد (گلدفارب و ترودل، ۲۰۱۹)، رابطه‌ی بین خود خاموشی و تعارض زناشویی قابل تبیین است. رفتار خود خاموشی زنان ممکن است بر تصمیم و قاطعیت آن‌ها در رابطه جنسی و رضایت زناشویی آن‌ها تأثیر بگذارد. ممکن است خود خاموشی به نظر برسد پاسخ مناسبی از سوی افراد آسیب‌پذیر که به دنبال روابط مثبت‌تر هستند، باشد اما ممکن است از نظر حداکثر رساندن کیفیت و کمیت جهت‌گیری سازنده روابط بین فردی این‌چنین نباشد. زوجینی که تعامل خوبی با یکدیگر دارند، با هم در پیشبرد مسائل و اهداف زندگی زناشویی‌شان مشارکت می‌کنند که این دقیقاً برعکس ویژگی‌های خود خاموشی است که در آن فرد از صحبت کردن و مشارکت در مسائل به دلیل ارجحیت دادن طرف مقابل و خواسته‌هایش از نیاز و خواسته‌های خود امتناع می‌کند و به دلیل ترس از طرد شدن یا تخریب رابطه‌اش سعی می‌کند از خود خاموشی استفاده کند. از سویی دیگر زوجین دارای تعارض، میزان زیادی عواطف منفی، شکایت و انزوا را در مقایسه با زوجین کارآمد نشان می‌دهند، این موضوع به دلیل ناتوانی آن‌ها در حل تعارض‌ها است. اگرچه بعضی تعارض‌ها غیرقابل اجتناب هستند، اما دلیل بر این نمی‌شود که همیشه این تعارض‌ها مطلوب یا مفید باشد. تعارض می‌تواند عشق و حتی یک ازدواج خوب را تخریب کند. از طرف دیگر می‌توان تنش‌ها را تسکین داده و دو نفر را بهتر از قبل در کنار هم قرار دهد. این به شرایط کلی، نوع تعارض‌ها، روشی که بر آن تکیه می‌کنند و نتیجه‌ی نهایی بستگی دارد. تعارض‌های زناشویی زمانی که روی هم انباشته شود و یا به شیوه‌ی ناکارآمد حل شود، منجر به گرایش به طلاق می‌شود. وقتی کشمکش بین زوجین شروع می‌شود که خواسته‌ها، نیازها و انتظارات درونی و مادی آن‌ها از یکدیگر برآورده نمی‌شود یا اینکه تفکر، رفتار، تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، عقاید و روش‌های زندگی مورد اعتراض طرف مقابل واقع شود. اگر زوجین گفتگوی منطقی داشته باشند و دیدگاه‌های صحیح را بپذیرند؛ بسیاری از کشمکش‌ها به شکل دوستانه و متقابل حل خواهد شد. در غیر این صورت کنش و واکنش‌های آزاردهنده برای وادار نمودن یکدیگر به پذیرش خواسته‌های خود شروع می‌شود. در ادامه این روند جدایی‌های مرحله به مرحله آغاز می‌شود و پیش می‌رود که شروع آن با جدایی روابط جنسی، احساسی، مادی، ارتباطی، مکان زندگی و در نهایت با طلاق پایان می‌پذیرد. به طور کلی یکی از عوامل ایجادکننده طلاق در رابطه زناشویی، تعارض‌های زناشویی است و در واقع نوعی کشمکش بر سر تصاحب پایگاه‌ها و منابع قدرت است که با حذف امتیازات دیگری و افزایش امتیازات خود بروز می‌کند؛ بنابراین با افزایش خود خاموشی در زنان متأهل از یک سو و همچنین افزایش تعارض زناشویی از سویی دیگر، ناسازگاری‌های زوجین افزایش یافته و در نتیجه نارضایتی‌های بیشتری ایجاد می‌گردد و این مسائل گرایش به طلاق را در زوجین افزایش می‌دهد.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

به طور کلی می‌توان از یافته‌های این پژوهش نتیجه گرفت که عوامل روان‌شناختی متعددی در تعامل با همدیگر می‌توانند در گرایش به طلاق زنان متأهل نقش داشته باشند. در این پژوهش به بررسی نقش متغیر خود خاموشی با نقش میانجی تعارض زناشویی در پیش‌بینی گرایش به طلاق زنان متأهل پرداخته شد که نتایج نشان داد خود خاموشی و تعارض زناشویی نقش کلیدی در گرایش به طلاق زنان دارند و لزوم توجه به این عوامل در تعامل با یکدیگر در برنامه‌های ارتقای کیفیت زندگی زناشویی ضروری است.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به نوع روش پژوهش اشاره کرد که به‌تبع از نظر تعیین روابط علت و معلولی محدودیت دارند. همچنین به دلیل استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، در تعمیم یافته‌ها به سایر گروه‌ها باید احتیاط نمود. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از روش نمونه‌گیری تصادفی برای بررسی این متغیرها استفاده شود تا تعمیم آن به سایر جوامع آماری آسان‌تر شود و همچنین به متغیرهای دیگری که می‌توانند گرایش به طلاق زنان متأهل را بیشتر مشخص کنند، توجه شود.

منابع

پاداش، ز؛ یوسفی، ز؛ عابدی، م؛ و ترکان، ه. (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی مشاوره زناشویی به‌روش گاتمن بر میل به طلاق و دلزدگی زناشویی زنان متأهل متمایل به طلاق. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۱۰، ۱۵۴. http://dorl.net/dor/20.1001.1.23222840.1399.10.0.133.2

حبیب‌پورگتابی، ک و صفری شالی، ر (۱۳۹۵). *راهنمای جامع کاربرد Spss در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌ها کمی)*. نشر مبتکران.

ریاحی، م؛ و محمودآبادی، ز. (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناختی اثر نقش‌های جنسیتی بر افسردگی باتأکیدبر مفهوم خود خاموشی. جامعه شناسی کاربردی، ۲۹(۱)، ۱۲۹-۱۴۶. https://doi.org/10.22108/jas.2018.75238.0

داودی، ز.، اعتمادی، ع.، بهرامی، ف.، و شاه سیاه، م. (۱۳۹۱). تأثیر رویکرد زوج درمانی کوتاه مدت راهحل- محور بر سازگاری زناشویی در زنان و مردان مستعد طلاق شهر اصفهان. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۴(۵۵)، ۱۹۰-۱۹۹. https://doi.org/10.22038/jfmh.2012.936

قادرپور، م. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی مشاوره‌ی گروهی مبتنی بر رویکرد ارتباطی ستیر بر فرسودگی زناشویی و میل به طلاق زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان.

مام شریفی، پ؛ شعبانیان اول خانسری، س؛ نجفی، ک؛ فرخی، س؛ و امین پور، م. (۱۴۰۱). نقش واسطه ای راهبردهای حل مسئله در رابطهٔ بین باورهای فراشناختی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با تاب آوری در دوران کووید-۱۹. *رویش روان شناسی*، ۱۱ (۴)، ۲۱۶-۲۰۵. http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1401.11.4.20.3

محمودزاده مرقی، ع؛ میراسکندری، ف؛ و فربد، م. (۱۴۰۰). مدل‌سازی معادلات ساختاری گرایش به طلاق با تأکید بر مهارت‌های ارتباطی، حل تعارض و حل مسائل زندگی زناشویی. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۹ (۱)، ۴۴-۳۵. http://dx.doi.org/10.52547/rbs.19.1.35

نبیئی، آ؛ حسینی، س؛ کاکابرایی، ک؛ و امیری، ح. (۱۳۹۹). الگوی معادلات ساختاری در رابطه بین گرایش به طلاق با مهارت های ارتباطی و سلامت خانواده اصلی با نقش واسطه ای صمیمیت زناشویی و تعارضات زوجین. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۴ (۱)، ۱۷-۹. http://islamiclifej.com/article-1-386-fa.html

Akarsu, A. S., & Sakallı, N. (2021). The associations among self-silencing, ambivalent sexism, and perceived devaluation of women in Turkey. *Current Psychology*, 1–13. https://doi.org/10.1007/s12144-021-02353-8

Ali, P. A., McGarry, J., & Maqsood, A. (2022). Spousal Role Expectations and Marital Conflict: Perspectives of Men and Women. *Journal of interpersonal violence*, *37*(9-10), NP7082–NP7108. https://doi.org/10.1177/0886260520966667

Ahmed, F., & Iqbal, H. (2019). Self-Silencing and Marital Adjustment in Women with and Without Depression. *Pakistan Journal of Psychological Research*, 34, 311-330. http://dx.doi.org/10.33824/PJPR.2019.34.2.17

Avery, L. R., Stanton, A. G., Ward, L. M., Trinh, S. L., Cole, E. R., & Jerald, M. C. (2022). The Strong, Silent (Gender) Type: The Strong Black Woman Ideal, Self-Silencing, and Sexual Assertiveness in Black College Women. *Archives of sexual behavior*, *51*(3), 1509–1520. https://doi.org/10.1007/s10508-021-02179-2

Auersperg, F., Vlasak, T., Ponocny, I., & Barth, A. (2019). Long-term effects of parental divorce on mental health - A meta-analysis. *Journal of psychiatric research*, *119*, 107–115. https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2019.09.011

Baeza, M. J., De Santis, J. P., & Cianelli, R. (2022). A Concept Analysis of Self-Silencing. *Issues in mental health nursing*, *43*(8), 766–775. https://doi.org/10.1080/01612840.2022.2053009

Bagby, R. M., Taylor, G. J., & Parker, J. D. (1994). The Twenty-item Toronto Alexithymia Scale--II. Convergent, discriminant, and concurrent validity. *Journal of psychosomatic research*, *38*(1), 33–40. https://doi.org/10.1016/0022-3999(94)90006-x

Bowker, J. C., Richard, C. L., Stotsky, M. V., Weingarten, J. P., & Shafik, M. I. (2023). Understanding shyness and psychosocial difficulties during early adolescence: The role of friend shyness and self-silencing. *Personality and Individual Differences*, *209*, 112209. https://doi.org/10.1016/j.paid.2023.112209

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]

Chung, G. S. K., Chan, X. W., Lanier, P., & Wong, P. Y. J. (2023). Associations between Work-Family Balance, Parenting Stress, and Marital Conflicts during COVID-19 Pandemic in Singapore. *Journal of child and family studies*, *32*(1), 132–144. https://doi.org/10.1007/s10826-022-02490-z

Gao, M. M., Du, H., Davies, P. T., & Cummings, E. M. (2019). Marital Conflict Behaviors and Parenting: Dyadic Links Over Time. *Family relations*, *68*(1), 135–149. https://doi.org/10.1111/fare.12322

Goldfarb, M. R., & Trudel, G. (2019). Marital quality and depression: A review. *Marriage & Family Review*, *55*(8), 737–763. https://doi.org/10.1080/01494929.2019.1610136

Gomez, E., & Tadros, E. (2023). A Cognitive Behavioral Family Therapy Approach: The Impact of Divorce on a Hispanic Adolescent with an Eating Disorder. *The Family Journal*. https://doi.org/10.1177/10664807231163244

Inman, E. M., & London, B. (2022). Self-silencing Mediates the Relationship Between Rejection Sensitivity and Intimate Partner Violence. *Journal of interpersonal violence*, *37*(13-14), NP12475–NP12494. https://doi.org/10.1177/0886260521997948

Jack, D. C., & Dill, D. (1992). *Silencing the Self Scale (STSS)* [Database record]. APA PsycTests. https://doi.org/10.1037/t07263-000

Mahoney, A., Pargament, K. I., & DeMaris, A. (2021). Spiritual intimacy, spiritual one-upmanship, and marital conflict across the transition to parenthood. *Journal of Family Psychology*, *35*(4), 552–558. https://doi.org/10.1037/fam0000795

Moral, M. A., Chimpén-López, C. A., Lyon, T. R., & Adsuar, J. C. (2021). The Relationship between Differentiation of Self and Psychological Adjustment to Separation. *Healthcare (Basel, Switzerland)*, *9*(6), 738. https://doi.org/10.3390/healthcare9060738

Maji, S., & Dixit, S. (2019). Self-silencing and women's health: A review. *The International journal of social psychiatry*, *65*(1), 3–13. https://doi.org/10.1177/0020764018814271

Maji, S., & Dixit, S. (2020). Exploring Self-Silencing in Workplace Relationships: A Qualitative Study of Female Software Engineers. *The Qualitative Report*, *25*(6), 1505-1525. https://doi.org/10.46743/2160-3715/2020.4290

Raley, R. K., & Sweeney, M. M. (2020). Divorce, repartnering, and stepfamilies: A decade in review. *Journal of Marriage and Family*, *82*(1), 81–99. https://doi.org/10.1111/jomf.12651

Rusbult, C. E., Johnson, D. J., & Morrow, G. D. (1986). Predicting satisfaction and commitment in adult romantic involvements: An assessment of the generalizability of the investment model. *Social Psychology Quarterly*, 81-89.https://doi.org/10.2307/2786859

Sbarra, D. A., Bourassa, K. J., & Manvelian, A. (2019). Marital separation and divorce: Correlates and consequences. In B. H. Fiese, M. Celano, K. Deater-Deckard, E. N. Jouriles, & M. A. Whisman (Eds.), *APA handbook of contemporary family psychology: Foundations, methods, and contemporary issues across the lifespan* (pp. 687–705). American Psychological Association. https://doi.org/10.1037/0000099-038

Umberson, D., & Thomeer, M. B. (2020). Family Matters: Research on Family Ties and Health, 2010-2020. *Journal of marriage and the family*, *82*(1), 404–419. https://doi.org/10.1111/jomf.12640

Zhou, N., & Buehler, C. (2019). Marital hostility and early adolescents' adjustment: The role of cooperative marital conflict. *The Journal of Early Adolescence*, *39*(1), 5–27. https://doi.org/10.1177/0272431617725193

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-19]